

اشهد بالله رب موسى
 لكن شفيحي الي ليك
 يدعو اليك الي الصلاح
 يتجلى هر چه تمامتر كه نيت همت خود كردم و مراجعت نمودم چون بگفت
 رسيدم يا ابو بكر رضي الله عنه ملاقات كردم و سخن چيزي را باوي
 گفتم گفت آري خداي تعالي خدا را در رسالت بخلق فرستاده
 پيش وي در رسول صلي الله عليه و سلم در خانه غيبه بود رضي الله عنها
 آنجا رفته و اذن هر آنگاه مرا اذن داد در آمدم چون راديد گفتم
 و فرمود كه روئي يابيم كه از وي خبري دارم گفتم آن كه امر است اي
 محمد فرمود كه محل مبدع كرده يا از كسي رستي آورده بيا را نرايدان كه
 آن چيزي از خرافات مؤمنانست من شهادت آوردم و اسلام گفتم
 و شعر چيزي را بر وي خواندم و از سخني كه گفته بود خبر دارم گفتم
 رب مؤمني و نماز آي و مصدق بي و ما شهد زكافي اوليك حقا
 اخواني و عبد الرحمن بن عرف رضي الله عنه در بيان اين قصه مي
 چذات كه در كتب مبسوطه مذكور است **و از اخبارات نقل**
سجده ابن مسعود رضي الله عنه گفته است كه با رسول صلي الله
 عليه و سلم به مغابرون آمديم و مشركان همه آنجا جمع بودند و ابوجهل
 در ميان ايشان بود و آنجا صبحي بود كه آنرايي پرستيدند رسول
 صلي الله عليه و سلم ميان ايشان در آمد و گفتم اي معشر قريش كه مي
 لا اله الا الله وليد بن مغيرة با ابوجهل گفت سخني از روز محمد با

بر اسلام آوردم و قهاذت گفتم تا

خيل ساهم

خيل ساهم ابوجهل سوگند بروي داد كه البته چنان كن وليدان منم را
 بگردن خود نهاد و روي بر رسول صلي الله عليه و سلم كرد گفتم اي
 محمد توفيق كوي كه خدايي من نزد گفتم من از جهل الوريد ايگه خدايي
 من بگردن منست خداي تو كجاست تا به من بعد از ان وليد
 آن صم را بجاي نهاد و قريش و بر اسجد و كرد و مناجات در
 كردند كه اي خداي ما را مدد كاري كن برفق محمد ناكاه
 از درون آن صم او از بر اند و بيتي چند و در مذمت رسول
 صلي الله عليه و سلم و مذمت اسلام و اهل آن خواندن گرفت رسول
 صلي الله عليه و سلم باز گشت ابن مسعود رضي الله عنه گفته است كه نزد
 نيز در حق رسول صلي الله عليه و سلم باز گفتم و گفتم خدا را بلي و اني
 يا رسول الله شنيدى كه آن صم چه گفت فرمود كه بلي يا ابن مسعود
 آن شيطاني است كه بدون دري آيد و مردم را بقتل انبيا بري
 بوسج شيطاني زبان بطن و لعن انبيا در از نكند مگر آن خدايي
 لغا و بر از و د بلاك كند بعد از دو شب يا سه شب پيش رسول
 صلي الله عليه و سلم نشسته بوديم ناكاه آينده آمد و گفتم السلام عليك
 يا محمد ما كلام و بر اي شنيديم و و بر اي ديديم رسول صلي الله عليه و سلم
 پرسيد كه انا اهل آسماني گفتم في فرمود كه از جيباني گفتم آري
 فرمود كه چي ناكاه آينده گفتم من غيب بودم ذي روز فرا دادند
 رسوخ رسول صلي الله عليه و سلم مذمت کرده است من در طلب

ت سحر